



واکاوی یک "کاوش استادانه"!!!

در این مختصر، یک "کاوش" "استادانه" از "استاد مسعود" را در عالم ناشناسی به شخصیت شخیص شان به واکاوی می گیرم و میدانم که فهم و درایت این "شاگرد"، البته افتخار دارم که هرگز شاگرد ایشان نبوده ام، به مراتب کمتر و کوچکتر از آن است که به همچو جسارتی اقدام نمایم؛ اما چار ناچار به این بدعت دست میازم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نوشته متذکره ایشان تحت عنوان "[گرایش های تازه در آسیا و آفریقا و اروپا، خواب خوش آمریکای لاتین](#)" را هموطنان اگر خواسته باشند، می توانند با یک کلیک بالای عنوان فوق دستیاب نموده و مطالعه کنند، تا حق به حقدار رسیده باشد و قضاوت یکجانبه نباشد.

"استاد" گرامی! ما در زبان دری افغانستان "آفریقا" و "امریکا" داریم و "آفریقا" و "آمریکا" نداریم و این طرز تلفظ فارسی ایران است و نه دری افغانستان.

از نگاه این کمترین عنوان انتخابی شما، کامل نیست. خواب خوش امریکای لاتین را یا برهم زده است و یا هم به واقعیت نزدیک ساخته و یا هم هر آنچه مدنظر "استاد" بوده است. "خواب خوش امریکا لاتین" چه شده است یا می شود و یا...

"استاد" گرانمایه تحت عنوان فرعی "کلیات"، از ۹ فقره یادآوری نموده اند که از نظر ایشان خروج برق گونه ای نیروهای نظامی امریکا و متحدین از افغانستان، باعث آن تحولات در جهان گردیده است. این کمترین به چند و چون قضیه و نیز اینکه "استاد" در این فقره سازی ها تا کدام حد به حقیقت نزدیک هستند، کاری ندارم، اما صرف نظر از اینکه در تحولات جهانی متذکره "استاد"، نقش تجاوز روسیه به اوکراین تا کدام اندازه دخیل بوده می تواند و "استاد" چرا و به کدام دلیل از آنها چشم پوشی نموده است، به خودش و خدایش معلوم است.

در فقره هشتم چنین آورده اند:

" ۸-۱ ایران شاهد مظاهرات زنانه شد."

این اصطلاح نامأنوس "مظاهرات زنانه" را بار اول است که با آن موجه می شوم که از حقیقت و واقعیت به فرسخ ها فاصله دارد. بیشتر از یک ماه است که مردم ایران، زن، مرد، پیر، جوان، اطفال و نوجوانان در سرتاسر ایران در مقابل چهل و اندی سال ظلم، وحشت، بیداد، توهین، تحقیر، زندان و قتل و کشتار و چور و چپاول و غارت و بربریت رژیم آخندی ایران که کشوری را به پرتگاه هستی کشانیده و در انزوای مطلق قرار داده است، به پا خاسته اند و زن و مرد و پیر و جوان و...، فریاد می زنند که "... آخذ باید گم بشه" و نیز "مرگ بر دیکتاتور" و...، کجای این قیام سترگ و این انقلاب عظیم مردم ایران، به نظر "استاد" محترم، "مظاهرات زنانه" است؟!!

این درست به جفنگ های خلقی ها و پرچمی ها و دنباله روان شان می ماند که حماسه های سوم حوت کابل و ۲۴ حوت هرات و نهم ثور کابل و...، ده ها و صد ها حماسه و قیام مردم افغانستان، را تاپه میزدند و قلقله میکردند که قیام کنندگان و حماسه سازان افغان، "نوکران ایران"، "گماشتگان پاکستان" و "جاسوسان امپریالیزم امریکا" هستند و...

در این قسمت لازم می افتد تا یک تعریف مشخص از انقلاب و "تظاهرات" پیشکش این "استاد" معظم گردد، "تا سیه روی شود، هر که در او غش باشد"

انقلاب: از نگاه جامعه شناسان، هر جنبش اجتماعی توده ای که به فرایند(تغییر) های عمده اصلاح یا دگرگونی اجتماعی بینجامد، انقلاب است.

تظاهرات: یک کار اعتراض آمیز و یک واکنش(عکس العمل) از سوی جامعه است که در اعتراض به نادرستی ها یا مسائل سیاسی و اجتماعی، توسط افرادی از جامعه که نسبت به آن مسائل اعتراض دارند، برپا می شود. به افرادی که در تظاهرات شرکت می کنند تظاهرکنندگان نیز گفته می شود. در تعریف دیگر، تظاهرات به گرد هم آمدن برای اعتراض، توسط افرادی که از چیزی نگران هستند، گفته می شود. (هر دو تعریف بالا از ویکی پدیا گرفته شده است و اما اصطلاحی برای "تظاهرات زنانه" وجود ندارد و از ساخته ها و پرداخته های "استاد" است.)

"استاد" بسیار "استادانه" پیش میروند و می نگارند:

گپ اول

۲ - بحران اوکراین در فاز سوم:

"استاد" عامدانه تلاش می ورزند تا از تجاوز وحشیانه روسیه به کشور مستقل اوکراین چشم پوشی نموده و آنرا "بحران" قلمداد نمایند.

"استاد" ادامه می‌دهند:

گام دوم:

۲-۲ الحاق شرق اوکراین به روسیه بعد از ریفرنندوم عمومی که مورد تایید غرب واقع نشد.

آنگاه که تجاوزگران ددمنش روسیه، یک قسمت خاک و قلمرو کشور مستقل اوکراین را با زور توپ و تانک و بمب و کشتار و قتل عام و چور و غارت و نسل کشی و... تلاش کردند با خاک روسیه ملحق ساخته و آنرا ضمیمه خاک روسیه سازند، در حقیقت نوع دیگری از تجاوز و اشغالگری را به نمایش گذاشتند و هیچ نوع "ریفرنندوم" نمی تواند عادلانه باشد و در نتیجه یک عمل شوم و اشغالگرانه است که مورد تائید هیچ انسان آزاده در روی کره ارض نیست و نخواهد بود، الا "استاد" معظم ما و چند رسوای دیگر در این گوشه یا آن گوشه دیگر و... و نه تنها "غرب".

ایشان ادامه می‌دهند:

۳-۳ چین سفارت چین را در کیف می بندد، قزاقستان و صربستان نیز چنین می کنند."

این کمترین اما دانسته نشدم که قضیه بستن سفارت خانه چین در کیف و نیز سفارت خانه های قزاقستان و صربستان در آن کشور، چه ارتباطی به خروج شتابزده عساکر امریکائی از افغانستان می تواند داشته باشد که "استاد" آنرا تحت همین عنوان "استادانه" مطرح نموده اند. از سوی دیگر بستن سفارت خانه چین در این کشور یا آن کشور هرگز نمی تواند، حقانیت یک عمل پلید را ثابت سازد، همانگونه که گشودن سفارت جمهوری خلق چین در کابل، نمی تواند حقانیت رژیم طالبی در افغانستان را به اثبات برساند. از جانب دیگر چین با روسیه ارتباطات تنگاتنگی دارد و در پی منافع خود است تا منافع اوکراین یا ایران یا افغانستان و قزاقستان و صربستان نیز چنین اند.

"استادانه" ها را پی میگیریم:

۳-۲ جمهوری چین مانند روسیه که کریمیه و شرق اوکراین را از خود کرد، در صدد پیوستن تایوان به چین از طریق دیپلوماتیک شد که در غیر آن راه استفاده از حرکات نظامی را نیز باز گذاشت،"

در جمله بالا، "... کریمیه و شرق اوکراین را از خود کرد."، در اینجا دیده می شود که "استادانه" از به کارگیری اصطلاح شناخته شده اشغال، خودداری صورت گرفته است. از نگاه این کمترین "استاد" با تمام "دانش" و "فهم" شان، از ذکر کلمه اشغال عامدانه خودداری ورزیده اند، تا هم لعل به دست آید و هم یار نرنجد. "از خود کرد" باز هم از اختراعات جدید "استاد" است.

"استاد" ادامه میدهند:

"۳-۴ رییس جمهور بایدن ریاست جمهوری آمریکا و جان کری از تنظیم سیاست جدید آمریکا در مورد عربستان سخن راند"

"استاد" در جمله فوق یک اشتباه مرتکب شده اند و تفاوت بین "رئیس جمهور" و "ریاست جمهوری" قائل نگردیده اند و از سوی دیگر چون صحبت از دو شخص است، باید بجای "راند"، از "راندند" استفاده می نمودند، شاید هردو از اشتباهات تایپی بوده باشند.

"۴-۴ این برای اولین بار است که در صورت حرکات نفی کننده دیپلوماسی دوم، دالر و تمامی تعهدات دیپلوماسی دوم منتفی می شود،"

این قضیه نیز هیچ ارتباطی نمی تواند با خروج شتابزده نیروهای نظامی امریکا و متحدین از افغانستان داشته باشد.

"۵-۴ ولادیمیر پوتین ریاست جمهوری روسیه ولیعهد عربستان سعودی را ستایش می کند و می گوید او برنامه های برای مدرن سازی عربستان سعودی دارد. این نخستین بار است که عربستان از آمریکا فاصله می گیرد و با روسیه نزدیک می شود."

"ولادیمیر پوتین" رئیس جمهور روسیه است، نه "ریاست جمهوری". از جانب دیگر این چاپلوسی پوتین که جهت جلب متحدین است، سبب فاصله گرفتن عربستان از امریکا نمی شود، بلکه گیر و گرفت های پشت پرده در کار اند که با آن میگویند "دیپلوماسی".

"استاد" ادامه میدهند:

"زنان در جاده ها ، مردان در خانه

۶ - ایران متحد نزدیک روسیه شاهد تظاهرات خیابانی است، جی ۴ فشار می بیند."

در این قسمت دیده می شود که نظرات "استاد" با نظرات "آخند ها" کاملاً همخوانی دارد و "استاد" در خط "آخند ها" قرار دارند. در انقلاب ملی مردم ایران، زن و مرد همه باهم در جاده ها و خیابان ها اند و هیچ ایرانی آزاده ای در خانه نمانده، بلکه با زور و تحدید و تخویف، تعدادی را توانسته اند، خانه نشین بسازند. بگفته شاعر:

گرم است در جهان بازار مکافات عمل

چشم اگر بینا بود هرروز روز محشر است

کیش شخصیت و شخصیت پرستی را در ایران آخندی در بیشتر از چهار دهه گذشته چنان داغ ساخته اند که آخند ها امروز دعوای خدائی دارند. همه آیت خدا اند و حجت اسلام و کار را به جائی رسانیده اند که شعار شان این است امروز:

سایه رهبر بهست از ذکر حق

یک قناعت به که صد لوت و طبق

سطور فوق را بخاطری آوردم که "استاد" معظم دیگر نفرمایند "تظاهرات زنانه" و کمی هم از دل مردم داغدیده و دربند کشیده شده ایران زمین بیایند و از دل گرم خود "فتوی" صادر نفرمایند.

"۶-۴ حجاب اول و آخر کار است"

نه جناب "استاد"! حجاب نه اول و نه هم آخر کار است، بلکه حجاب یک بهانه است و بگفته ایرانی ها که بیشتر از چهل روز در جاده ها فریاد میزنند، کشته و زخمی و اسیر میدهند، خون می ریزند، قربانی میدهند و...، "حجاب بهانه است، نظام هدف است". و این خواسته پاک و ستره را عملکرد یک خانم هشتاد و چند ساله ایرانی به اثبات می رساند که بعد از هشتاد سال حجاب، چند روز قبل حجاب از رخ برداشت تا مشیت محکمی بر دهان آخند های ددمنش ایران زده باشد و همراهی و حمایت خود را از انقلاب فرزندان خود ابراز دارد و...، چرا "استاد" ما در خط جهل آخندی قرار گرفته اند، در حالیکه خودشان از جهل طالب به غرب پناه آورده اند. چرا به ایران نرفتند؟! و در اخیر هم ایشان چنین می نگارند:

" افغانستان در انتظار نبرد خونین:

۱۰-۲ افغانستان در انتظار نمایان شدن پیروز رقابت اوکراین است، شاید هم یک نبرد فیصله کننده در میدان بدون ریفری و حکم در میان قفس که تنها زنده می تواند از قفس بیرون آید."

در اوکراین هیچگونه رقابتی در جریان نیست، بلکه یک کشور مستقل و آزاد، مورد تهاجم و تجاوز یک تجاوزگر شناخته شده قرار گرفته است و با شهادت از خاک و سرزمین و کشور شان دفاع میکنند. آنان هیچ رقابتی به هیچ کشوری ندارند و اگر منظور از رقابت امریکا و روسیه باشد، هر دو تجاوزگر در سرزمین آبائی ما بصورت بسیار مفتضحانه شکست خورده اند و هر دو هم فرار را بر قرار ترجیع داده اند، پس افغانها منتظر بُرد و باخت هیچ یک نیستند و نیز دل خوشی از هیچکدام ندارند. همانگونه که یک تعداد افغانها در خط دفاع از اوکراین قرار دارند، همانگونه هم روسیه یک مشیت نظامیان فراری افغان را استخدام نموده است تا تجاوزگران روسی را در این جنگ تحمیلی

یاری رسانند. آنچه "استاد" از قضایا برداشت نموده اند، مربوط می شود به اینکه روزمره و در حالت بیکاری و بی سرنوشتی، مشغول تماشای کدام فلم های هالیوودی هستند.

" ۱۱-۳ نیرو های مسلح جمهوری افغانستان و جنگاوران افغانستانی در سوریه میدان های نبرد را در اوکراین ، گرم و از خون خود سرخ خواهند کرد و بازهم فریاد ما برای عزیزان ما خوان خدا را رنگین خواهد ساخت."

این جمله آخری چندین مشکل دارد:

۱- "افغانستانی"، یعنی چه استاد معظم؟

در قانون اساسی افغانستان ذکر گردیده است که "هرکه از افغانستان است، افغان است"، پس استفاده از این اصطلاح آخندی ایران، خود میسرساند که جناب "استاد" سری در آخور آخند های جمهوری اسلامی ایران دارند، در چند فقره دیگر نیز این ادعا را جناب شان به اثبات رسانیده اند و این استفاده از اصطلاح نامأنوس و کس مخر "افغانستانی" هم یک دلیل قاطع و غیر قابل انکار دیگر تواند بود.

۲- مشکل دیگر، مشکل جمع بندی و جمله سازی "استاد" تواند بود. ایشان می نویسند: "... در سوریه میدان های نبرد را در اوکراین ، گرم و از خون خود سرخ خواهند کرد...". چگونه جنگجویان افغان در سوریه، میدان های نبرد را در اوکراین گرم خواهند ساخت؟ این جمله کامل نیست و نواقص املائی، انشائی و دستوری دارد که به گونه ای از چشم تیزبین "استاد" پنهان مانده است و اگر اندکی در مورد دقت فرمایند، به وضاحت خواهند دید که جمله شان از نگاه دستور زبان، ناقص است.

پروانه سوخت، شمع فرو مرد، شب گذشت

ای وای من که قصه دل ناتمام ماند